

Legal-economic and social analysis of the condition for the invention of new inventions in order to advance the science and social welfare of the country

Abstract

Creating the right legal framework for achieving scientific growth and technological development and thus enhancing the well-being of society. Modernization of the invention of the industrial design is one of the long and distinguished features of the invention of the industrial design which should be considered as a form and subject. Today, the requirement to be a newcomer is both challenging and painful when it comes to industrial property litigation and litigation in litigation and infringement litigation. In Iranian law, both in the field of law and in the field of industrial property and in the judicial process, the issue of the invention of a new invention is very challenging, as in a considerable number of cases, as soon as the holder of the patent claims against the infringer, Filing a petition against the patent holder for "revocation of the patent for being new". In this study, we seek to analyze the condition of being a new legal entity while conducting an economic analysis to find the best rules that reduce these problems and challenges, reduce transaction costs, increase and improve the number and ease of transactions, and thereby increase profitability and social benefits. Let's edit.

Keywords: New, Patent, Economic Analysis of Law, Industrial Design, Science and Welfare

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.272610.1524>

تحلیل حقوقی - اقتصادی و اجتماعی شرط جدید بودن اختراعات در راستای پیشرفت علم و رفاه اجتماعی کشور

عبدالرضا وزوایی^۱

فرزانه سریر^۲

مهشیدسادات طبایی^۳

محمدجواد جاوید^۴

چکیده

ایجاد بستر حقوقی مناسب به منظور نیل به رشد علمی و توسعه فناوری و در نتیجه افزایش رفاه جامعه است. جدید بودن اختراع و طرح صنعتی یکی از اوصاف دیرین و وصف ممتاز هر اختراع یا طرح صنعتی می باشد که باید به صورت نوعی و موضوعی در نظر گرفته شود. امروزه شرط جدید بودن، هم در هنگام احراز آن در اداره مالکیت صنعتی و هم در هنگام رسیدگی قضایی در دعاوی طرفین صاحب گواهی نامه و نقض کننده، از مسائل بسیار چالش برانگیز و مبتلا به می باشد. در حقوق ایران، هم در عرصه قانون گذاری و هم در اداره مالکیت صنعتی و هم در رویه قضایی، موضوع جدید بودن اختراع بسیار چالش برانگیز می باشد، چنان چه در تعداد قابل توجهی از پرونده های قضایی به محض این که دارنده ورقه اختراع دعوی راعلیه نقض کننده طرح می نماید، نقض کننده نیز دعوی متقابلی با خواسته "ابطال ورقه اختراع به جهت جدید نبودن آن" علیه دارنده ورقه اختراع طرح می نماید. در این پژوهش بر آنیم که شرط جدید بودن را ضمن بررسی حقوقی، تحلیل اقتصادی نماییم تا بهترین قواعدی که موجب کاهش این مشکلات و چالش ها شود، هزینه های معاملاتی را پایین بیاورد، تعداد و سهولت معاملات را بیشتر و بهتر نماید و در نتیجه سودآوری و منافع اجتماعی را افزایش دهد، تدوین نماییم.

واژگان کلیدی: جدید بودن، حق اختراع، تحلیل اقتصادی حقوق، طرح صنعتی، علم و رفاه

^۱ دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نوسنده مسئول)

arirf@yahoo.com- Farzaneh Sarir.

^۳ استادیار، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ -استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اموال فکری از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. روزگاری که در آن زندگی می‌کنیم عصر اقتصاد دانش محور نام گرفته است، یعنی ثروت دولتها نه بر حسب اموال ملموس و مادی بلکه بر حسب اموال فکری شان تعیین می‌شود. همین امر به اهمیت اموال فکری افزوده است. از سوی دیگر کارآمدترین و مؤثرترین نظامی که حمایت از اموال فکری را برآورده می‌سازد نظام مالکیت فکری است. اعطای مالکیت فکری در سطح داخلی برای مخترعان و پدیدآورندگان افزایش انگیزه را به همراه دارد و در سطح بین‌المللی باعث جلب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش اعتبار بین‌المللی و انتقال فن‌آوری می‌شود. همه اینها باعث شده که نظام مالکیت فکری دارای جایگاه ویژه‌ای شود. حق مالکیت فکری، حقی چالش‌برانگیز است زیرا با مباحث و ابعاد گوناگون ارتباط مستقیم و غیر مستقیم دارد به طوری که گاه صبغه غیرحقوقی آن از صبغه حقوقی اش پیشی می‌گیرد و نقطه تلاقی مباحثی چون اقتصاد و توسعه، سیاست، بهداشت، محیط زیست، فرهنگ و اخلاق می‌شود. در نتیجه برای ارزیابی بهتر این حق به جای نگرشی یک‌جانبه باید نگرشی همه‌جانبه داشت (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۹).

یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در زمینه حقوق مالکیت فکری و صنعتی، شرط جدید بودن می‌باشد. جدید بودن یک زمینه علمی پویا و در واقع انقلاب علم در عصر حاضر است. تأثیر گسترده این فن‌آوری بر عملکرد بخش‌های مختلف حیات بشری، از قبیل صنعت دارو، غذا، کشاورزی، شیمیایی، انرژی و البته محیط زیست، بعلاوه اینکه فن‌آوری کلیدی در پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شود به اهمیت این فن‌آوری افزوده است. بنابر این شرط جدید بودن عرصه‌ای است که رفاه اقتصادی - اجتماعی برای مردم به همراه دارد و برخی آنرا همه چیز برای همه مردم نامیده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

تحلیل اقتصادی حقوق یک روش علمی است که بوسیله آن بتوان بهترین قواعدی را که سود آوری و منافع اجتماعی را بالا ببرد، تدوین کرد. لذا باید گفت حق مالی بر آفرینش‌های فکری بطور کلی ارزشمند و محترم است اما طول، عرض، حد، قلمرو، مدت حمایت، دامنه و وصف آن تابعی از علم است که بنیاد و اهداف آن توسعه اقتصادی و اجتماعی است. امروزه شرط جدید بودن اختراع، هم در هنگام احراز آن در اداره مالکیت صنعتی و هم در هنگام رسیدگی قضایی در دعوی فیمابین دارنده ورقه اختراع و شخص نقض‌کننده از مسائل بسیار چالش‌برانگیز و مبتلا به می‌باشد. این چالش‌ها از چند جهت قابل بررسی است. یکی از جهت این که اداره ثبت اختراع و قانون‌گذار کشور مرجع، جزو کشورهای توسعه یافته است یا در حال توسعه، و منافع هر یک چگونه تامین می‌شود. چالش بعدی به واسطه ابهام شرط جدید بودن در موافقتنامه تریپس است. هرچند که امروزه کشورهای توسعه یافته جهت رفع ابهام از ماهیت شرط جدید بودن در موافقتنامه تریپس اقداماتی را شروع کرده‌اند، از جمله این که پیش‌نویسی را جهت یکنواخت سازی شروط ماهوی اختراع مانند جدید بودن، جهت به تصویب رساندن آن در واپو آماده کرده‌اند. و چالش بعدی در خصوص نوع اختراع است. امروزه در حقوق ایران، هم در عرصه قانون‌گذاری و هم در اداره مالکیت صنعتی و هم در رویه قضایی، موضوع جدید بودن اختراع بسیار چالش‌برانگیز می‌باشد، چنان‌چه در تعداد قابل توجهی از پرونده‌های قضایی به محض این که دارنده ورقه اختراع دعوی را علیه نقض‌کننده طرح می‌نماید، نقض‌کننده نیز دعوی متقابلی با خواسته "ابطال ورقه اختراع به جهت جدید نبودن آن" علیه دارنده ورقه اختراع طرح می‌نماید. لذا

بررسی این موارد در حقوق ایران از مسائل محوری این مقاله می باشد. در این مقاله می خواهیم شرط جدید بودن را ضمن بررسی حقوقی، تحلیل اقتصادی نماییم تا بتوانیم بهترین قواعدی که هزینه های معاملاتی را پایین بیاورد و تعداد و سهولت معاملات را بیشتر و بهتر و در نتیجه سودآوری و منافع اجتماعی را افزایش دهد تدوین نماییم. باتوجه به این که هم اکنون یکی از مسائل چالش برانگیز در اداره مالکیت صنعتی، موضوع معیارها و چگونگی احراز شرط جدید بودن برای امکان ثبت یک اختراع و یا طرح صنعتی می باشد، این تحقیق می تواند کمک موثری در این زمینه برای اداره مالکیت صنعتی باشد. به این صورت که معیاری را پیش روی اداره قرار می دهد مبنی بر این که پیشرفت علم و رفاه اجتماعی یک اصل است و در احراز شرط جدید بودن باید این اصل را در نظر گرفت (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۵).

در حقوق مالکیت فکری سایر کشورها نیز چنین صراحتی مشاهده می شود. به عنوان نمونه، قسمت (الف) بند یک از بخش اول قانون اختراعات ۱۹۷۷ انگلیس، بند یک از بخش هفت و قسمت (ب) از بند یک بخش هیجده قانون اختراعات ۱۹۹۰ استرالیا، بند یک از ماده (۱۰) مجموعه قوانین مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه، با اصلاحات ۱۸ دسامبر سال ۱۹۹۶، و ماده ۲۲ قانون ثبت اختراعات ۱۹۸۵ چین بر این شرط تأکید می نمایند. علاوه بر این، در اسناد بین المللی و منطقه ای ناظر بر اختراعات نیز چنین شرطی پیش بینی شده است. به عنوان مثال، بند یک از ماده ۵۲ کنوانسیون اختراعات اروپایی^۱ و بند یک ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس^۲ نیز بر جدید بودن اختراع تصریح می نمایند. طبق بند یک ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس: "... گواهی های اختراع برای هر اختراعی، اعم از محصولات یا طریقه های ساخت، در کلیه زمینه های فناوری باید قابل دسترسی باشند، مشروط بر این که جدید باشند (اسمیت، ۱۹۹۶: ۲)". نکته ای که حائز اهمیت است این است که مفهوم جدید بودن با مفاهیم مشابه مانند: تازگی، بدیع بودن و ابتکاری بودن تفاوت دارد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۳).

نقش شرایط ثبت اختراع

الف) شروط سه گانه

نظام حق اختراع در تمامی کشورها سه شرط را برای ثبت یک اختراع مطرح می کنند که اعمال این سه شرط نقش اساسی در ایجاد کارکردهایی دارد که در این بخش به بررسی آن پرداخته ایم. این سه شرط همان جدید بودن، مشتمل بودن بر گام ابتکاری و دارای کاربرد صنعتی بودن است.^۳ این شروط بیانگر این امر است که قانونگذار تنها از فعالیت خلاقانه ای حمایت کند که اختراع ناشی از آن در منابع مربوط به فن یا صنعت مربوطه از گذشته تا زمان بررسی وجود نداشته و برای سایر متخصصان صنعت مربوطه معلوم و آشکار نباشد، و از طرفی در رشته ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. لذا تمامی سرمایه های مالی و فکری به سمت تولید علم جدید، مفید و کاربردی سوق داده می شود و این یک هدف محوری نظام حق اختراع است.

^۱ European Patent Convention

^۲ TRIP's Agreement

^۳ ماده ۲ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری ایران

اما شرط اساسی و اثرگذار دیگری نیز در نظام حق اختراع وجود دارد که معمولاً به صورت شرط در قوانین ذکر نمی‌شود، اما در تمام قوانین حق اختراع ماده‌ای به آن اختصاص دارد و آن لزوم افشای کامل اطلاعات اختراع است. معمولاً نظام‌های حق اختراع مخترع را ملزم می‌کنند برای ثبت اختراع خود آن را به طور کامل و شفاف افشا نماید، به نحویکه یک فرد با مهارت معمولی در شاخه علمی مربوطه بتواند با استفاده از اطلاعات ورقه اختراع، آن را عملی نماید یا بسازد.^۱ اصولاً تنها از اختراعی حمایت می‌شود که اطلاعات آن افشا شده و در دسترس عموم قرار گیرد. بنابراین، میلیون‌ها ورقه اختراع ثبت شده به همراه اسناد علمی آنها مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که یک منبع اطلاعاتی غنی تکنولوژیکی و اقتصادی سهل‌الوصول محسوب می‌شود، چرا که مطابق قانون از اسناد عمومی‌است. اصولاً یکی از اهداف نظام حق اختراع نیز همین انتشار سریع و آسان اطلاعات علمی است.

مزیت بزرگ نظام حق اختراع بر نظام‌های جایگزین مانند اسرار تجاری، همین داده‌های انبوه و دقیق حاصل از افشای اختراعات است. به طور طبیعی، هر گاه یک شرکت یا مخترعی احساس کند در صورت افشای اختراع خود، دیگران از آن سوء استفاده خواهند کرد، ترجیح می‌دهد از اختراع خود در قالب سر تجاری محافظت و منافع آن را تضمین کند. بنابراین، نظام حق اختراع، دانش عملی را که نظامی غیر از حق اختراع اغلب آن را به صورت سر تجاری و غیرقابل دسترس نگه می‌دارد، عمومی می‌سازد و به انتشار علم و دانش منجر می‌شود (نواک، ۱۹۹۶: ۲).

این اطلاعات از یک سو توسط دانشمندان دیگر در مسیر اختراعات و اکتشافات نو مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از سوی دیگر شرکت‌های تولیدی و تجاری را در مسیر دریافت و صدور مجوزهای بهره‌برداری قرار می‌دهد. تا کنون حدود ۴۵ میلیون تقاضای پتنت در جهان ثبت شده است و سالانه ۱٫۸ میلیون تقاضای ورقه اختراع جدید نیز ثبت و منتشر می‌گردد^۲ و این به معنای حجم عظیمی از انتشار زودهنگام پیشرفت‌های علمی و فناوری با جزئیات کافی است. بسیاری از کشورها اطلاعات ورقه‌های اختراع را در پایگاه داده اختراعات با قابلیت جستجو جمع‌آوری و دسته‌بندی و با انتشار آن بر روی اینترنت امکان دسترسی آسان عموم به اطلاعات پتنت‌ها را فراهم می‌کنند.^۳

اطلاعات افشا شده اختراعات همچنین، می‌تواند آمارهای مفیدی از فعالیت‌های علمی و فناوری جامعه به سیاست‌گذاران این عرصه ارائه کند. این اطلاعات می‌تواند نشان‌دهنده رشد علمی و فناوری در بخش‌ها و صنایع مختلف باشد و سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد نیازهای بازار آینده توسعه صنعتیکشور خود را پیش‌بینی و تصمیمات خود را ارزشیابی کنند. شرکت‌ها نیز با وجود این اطلاعات از سرمایه‌گذاری‌های موازی در بخش تحقیقات و توسعه و هدر رفتن منابع خود جلوگیری می‌کنند (رابرت، ۱۹۹۹: ۴). دفتر اختراعات اروپایی در سال ۲۰۰۰ تخمین زده است

^۱ بند ج ماده ۶ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری.

^۲ WIPO, World Intellectual Property Indicators ۲۰۰۹,

^۳ برخی از این کشورها عبارتند از: آلمان، اتحادیه اروپا، اسپانیا، استرالیا، اسلواکی، اسلونی، امریکا، امریکای لاتین، انگلیس، ایرلند، تایلند، سنگاپور، سوییس، شیلی، روسیه، رومانی، ژاپن، چک، چین، فرانسه، کانادا، کره جنوبی، فنلاند، لهستان، نیوزلند و هلند. هند. در این میان اتحادیه اروپایی و کشورهای امریکای لاتین پایگاه داده منطقه‌ای نیز در قالب وب سایت، راه اندازی کرده‌اند.

که عدم آگاهی صنایع اروپا از اطلاعات پتنت، حدود ۲۰ میلیارد دلار سرمایه را در راستای تحقیقات و توسعه موازی و ایده های تکراری به هدر می دهد.

بنابراین، فراهم کردن امکان دسترسی آسان الکترونیکی به اطلاعات ورقه های اختراع، دفاتر ثبت اختراعات را به مراکز آموزشی غنی بدل می کند که مورد رجوع گروه های مختلف مرتبط با علم و فناوری مانند مدیران پژوهشی شرکت ها، معاونت های پژوهشی دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی، مسئولان و سیاست گذاران دولتی، مخترعان، پژوهشگران خواهد بود. متأسفانه قوه قضاییه که متولی ثبت اختراعات در ایران است، سیستم مناسبی برای دسترسی قرار دادن مناسب و آسان اطلاعات ورقه های اختراع پیش بینی نکرده و کشور عملاً از فوائد افشای اختراعات محروم است.

ج) ترغیب تولید علم

سیاست گذاری عمومی دست کم از زمان نگارش کتاب اخلاق ارسطو بارها و بارها این سخن وی را در عمل آزموده است که؛ اگر می خواهید امری را افزایش دهید، به آن پاداش دهید و اگر می خواهید آن را کم کنید، برایش مجازات بگذارید (نیکوماخ، ۱۹۴۱: ۹۵۴). جامعه بدون نظام مالکیت فکری یا با نظام مالکیت فکری ضعیف، مبتکران و مخترعان را مجازات می کند و سودجویان را پاداش می دهد. در مقابل، نظام حق اختراع، حق مخترعان و مؤلفان و حامیان مالی آنان را برای بهره بردن از ثمرات کار خویش به رسمیت می شناسد و با تضمین بازگشت نتیجه زحمات هر کس به وی، دانشمندان را به تولید علم و فناوری تشویق می کند (نواک، ۱۹۹۶: ۲۹).

بدون نظام حق اختراع هر کسی می تواند به سرعت از حاصل فعالیت مخترعانه دیگری استفاده کند و به طور طبیعی این فعالیت پرهزینه و پرزحمت برای فرد مزیتی ندارد. نظام حق اختراع این روند را بر هم می زند و با اعطاء حق استفاده انحصاری از اختراع به طور موقت به مخترع، وی را به کشف و تولید چیزهای نو و مفید تشویق می کند. از همین روست که گفته شده نظام حق اختراع با افزودن سوخت منفعت به آتش نبوغ بشری، آن را شعله ور می سازد (لینکون، ۱۹۵۹: ۶). در این فرآیند انگیزه سود به عنوان یک کاتالیزور برای تسهیل و تسریع رشد علمی، تکنولوژیک و اقتصادی نقش ایفا می کند و نیروهای بالقوه علم و اندیشه را با نیاز بازار و منافع تجاری سرمایه گذاران در هم می آمیزد. این فرآیند با اعطای حقوق انحصاری و لازم الاجرا و در عین حال موقت قانونی به مخترع برای ساخت، بهره برداری یا فروش محصولات مشتمل بر اختراع، در بازار رقابت، به وی یک مزیت مطلق اعطا می کند. این مزیت، به عنوان پناهگاهی در برابر امواج قدرتمند رقابت در بازار، باعث می شود مخترع بتواند بدون هراس از تهدید رقبا و سارقان علمی، نتایج سرمایه گذاری خود را به بازار تجارت وارد سازد. این پناهگاه امنیت لازم را برای جلب سرمایه گذاران و مخترعان به سمت خلق علم و فناوری تأمین و دیگران را نیز به همکاری با آنان ترغیب می کند. همچنین در این شرایط، هر مخترع جدید سعی می کند به جای کپی برداری، با بالا بردن میزان توانایی رفع نیاز بوسیله اختراع خود در مقایسه با نمونه های قبلی، منافع آنان را نیز به سوی خود جلب کند (دیوید، ۱۹۸۹: ۱۵۴).

بنابراین، حقوق انحصاری موجود در نظام حق اختراع با هدف کمک به رشد اقتصادی و افزایش ابداعات تکنولوژیک از طریق جلوگیری از کپی برداری و سرقت علمی اعطا می شود، با این فرض که بهترین راه برای تحریک «انگیزه

مخترعان در پذیرش ریسک اغلب پرهزینه اختراعات از نظر زمان و تحقیقات و توسعه سودآور نمودن آن فعالیت برای مخترع است. در حقیقت این نظام، بوسیله کاستن از ریسک فعالیت مخترعانه، سرمایه‌گذاری‌ها در استای پیشرفت علمی را ترغیب می‌کند و اطمینان می‌دهد که سودجویان نخواهند توانست به سرعت یک اختراع سودمند را تصاحب کنند (رابرت، ۱۹۹۷: ۴۹۲).

از طرفی، چون کسب ورقه اختراع تنها زمانی ارزشمند است که بتوان از اختراع مورد نظر بهره‌برداری تجاری نمود، نظام مالکیت فکری تلاش‌های مبتکرانه دانشمندان را به سوی رفع نیازهای روز جامعه سوق خواهد داد. آمارها و مطالعات انجام شده نیز تأیید می‌کند که حمایت کافی از مالکیت فکری رشد اقتصادی را بر می‌انگیزد و رفاه اجتماعی را بالا می‌برد (همان، ۵۰۰). بنابراین دیدگاه، اختراعات در صورت عدم حمایت از حق اختراع انجام نخواهد شد زیرا پس از آنکه چیز سودمندی اختراع می‌شود، به سرعت از سوی رقبای مخترع که در هزینه‌های اختراع هیچ سهمی نداشته‌اند، تصاحب و کپی برداری می‌شود (ربکا، ۱۹۸۹: ۱۰۲۴). البته این حق انحصاری، تنها برای مدت محدودی اعطا می‌شود تا بین دو هدف اجتماعی متقابل توازن ایجاد گردد: ۱. نیاز به تشویق ابداعات فنی و ۲. نیاز به توزیع منافع آن ابداعات در سراسر جامعه (دیوید، ۱۹۹۶: ۳۸۳).

منافع دارنده ورقه اختراع به میزان فروش انحصاری محصول مشتمل بر اختراع و نیز اختیار وی برای تعیین قیمت وابسته است که با وجود انحصار حاصل از نظام حق اختراع، تأثیر هر دو عامل تضمین می‌شود و این فرصت را به مخترع اعطا می‌کند که بتواند هزینه‌های خود شامل سرمایه، زمان، کار و تجهیزات را جبران کند. در این میان، فناوری‌های نو که تحقیقات و توسعه در آن‌ها بسیار زمان‌بر، پرهزینه و با احتمال موفقیت پایین است، برای توسعه خود احتیاج بیشتری به حمایت نظام حق اختراع دارد. برای مثال در صنعت دارویی، تولید یک داروی جدید حدود ۱۰ الی ۱۵ سال زمان می‌برد و احتمال موفقیت از ایده تا تولید و تجاری سازی محصول نهایی ۱ در ۵ هزار است. این فرآیند در دهه ۱۹۹۰ به طور متوسط ۴۵۰ میلیون دلار هزینه در بر داشت که این رقم در دهه بعد به ۱٫۲ میلیارد دلار رسید. لذا شرکت‌هایی که در این عرصه فعالیت می‌کنند باید بتوانند از طریق محصول نهایی که با موفقیت به بازار راه یافته است، هم هزینه‌های چندین هزار شکست را جبران کنند و هم به سرمایه‌گذاری جدید بپردازند (هنری، ۲۰۰۷: ۴۶۹). هم اکنون، حجم سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و توسعه در کشورهای در حال توسعه بسیار پایین است و حدود ۹۵ درصد هزینه‌های تحقیقات و توسعه در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود. راه حل کاهش این فاصله در جلب سرمایه‌های گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در امر تحقیقات و توسعه کشورهای در حال توسعه است که این مهم نیز بدون فراهم آوردن امنیت کافی برای دارایی‌های فکری آنها ممکن نیست. به طور کلی هر چه بخواهیم بار سرمایه‌گذاری بخش دولتی در بخش تحقیقات و توسعه را کاهش دهیم باید خطرپذیری و درآمد بالقوه بخش خصوصی از محصولات و خدمات ناشی از تحقیقات و پژوهش را افزایش دهیم که یکی از راه‌های آزموده شده آن تقویت نظام حق اختراع است.

ضمانت اجراهای ناظر به شرط جدید بودن

۱. ضمانت‌های پیشینی

نظام حقوقی ایران درخصوص ثبت اختراعات، تا قبل از تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، به صورت اعلامی بود و در واقع ادعاهای متقاضیان ثبت، مورد آزمایش و بررسی قرار نمی گرفت اما بعد از تصویب قانون مرقوم، به صورت "مورد بررسی و آزمایش" قراردادن است. قانون گذار، متولی این امر را اداره مالکیت معنوی قراردادده است که اداره ثبت اختراعات، به عنوان یکی از زیرشاخه های اداره مالکیت معنوی، می بایست کلیه اظهارنامه های متقاضیان ثبت اختراع را چه از لحاظ شرایط شکلی و چه از لحاظ شرایط ماهوی مورد آزمایش و بررسی قرار دهد. اما با توجه به این که تعداد کارشناسان اداره ثبت اختراع بسیار کم و ناکافی می باشد، لذا رویه اداره ثبت اختراع به این صورت گردیده است که تعدادی از مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی و علمی به عنوان "داور" از طرف اداره ثبت اختراع تعیین گردیده اند و احراز شرایط ماهوی (جدید بودن)^۱، گام ابتکاری^۲ و کاربرد صنعتی^۳ (داشتن) را انجام می دهند.

اولین شرط ماهوی ثبت اختراعات، جدید بودن آن است. این بدین معنا است که در هیچ بانک اطلاعاتی کتبی و یا اسناد شفاهی، اطلاعاتی مبنی بر سابقه انجام کاری مشابه اثر مورد ثبت وجود نداشته باشد. در این جا باید به نکته توجه کرد که بعضا ممکن است قابلیت ثبت به علت افشای ناخواسته توسط خود مخترع مانند چاپ مقاله در مجلات یا ارائه در کنفرانس ها و غیره از بین برود، حتی اگر در مکانی یا محله ای در مورد اثر خود صحبت کند و یا مقالاتی به چاپ برساند نیز مشمول افشاناخواسته خواهد بود. جدید بودن در واقع یک صفت لاینفک برای هر اختراعی می باشد. بر اساس ماده ۴ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶، اختراعی جدید است که در فن یا صنعت قبلی پیش بینی نشده باشد. منظور از فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه ای از جهان از طریق کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا و یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع برای عموم مردم افشانشده باشد. در صورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا و یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود.^۴

شاید مهمترین محدودیت در دسترسی به سیستم ثبت اختراع این است که شخص می تواند فقط چیزی را که جدید است ثبت کند. این به آسانی در اصطلاحات اقتصادی قابل توجیه است که آن به سختی می تواند توجه کسی را که در اقتصاد آموزشهای سخت دیده است جلب کند. اعطای ثبت به فناوری هایی که جدید نیستند هزینه های اجتماعی داشته و بدون سود خواهد بود. پس چرا استاندارد نوآوری آن قدر برای تحلیل اقتصادی ارزشمند است؟

آنچه برای اهداف ثبتی «نو» و «جدید» است بستگی به تعریف مفهوم «فن قبلی» دارد. مراجعی که به عنوان فن قبلی شناخته می شوند در قسمت ۱۰۲ قانون ثبت اختراع آمریکا آمده است، مهم ترین منبع فن قبلی آن هایی هستند که برای ارزیابان ثبت، ثبت های اولیه و انتشارات قابل دسترس هستند. سایر مقوله های قانونی فن قبلی، شامل فناوری هایی که قبلا اختراع، شناخته و یا توسط دیگران استفاده شده اند، کمتر مورد توجه اداره ثبت اختراعات

^۱ Novelty

^۲ Inventive step

^۳ Applicative Industrial

^۴ Analyze This: A Law and Economics Agenda for the Patent System Rebecca S. Eisenberg

و علائم تجاری^۱ هستند، اما می‌توانند چالشی برا اعتبار ثبت اعطا شده در سال‌های بعدی باشند. به منظور رد ثبت به جهت عدم نوآوری، لازم است که تمام عناصر اختراع ارائه شده در یک مرجع مجزا حاصل شوند. چنانچه لازم است که شفاف‌سازی مراجع چندگانه ترکیب شوند تا تمام عناصر نوآوری حاصل شوند، اساس چالش برای ثبت، نه نوآوری بلکه «شفافیت» و اعمال محدودیت‌های بیشتر خواهد بود.

این قوانین اصلی اکنون دیگر کهنه هستند اما ممکن است کسی بپرسد که آیا این دیدگاه عاقلانه است؟ یک مجموعه از سوالات مهم این است که چگونه تکثیر اطلاعات به شکل دیجیتال می‌تواند سوال را این‌گونه تغییر دهند که چه چیز جدید است؟ به عنوان مثال، آیا «قانون تمام عناصر» در دنیای مدرن، با موتورهای جستجو و با منابع مختلف بسیار، منسوخ شده است؟ یکی دیگر از پرسش‌ها می‌تواند بر مسئولیت و فرصت برای تعیین فن قبلی ضد ثبت بین اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری و عموم باشد. در حال حاضر، قبل از صدور ثبت، ما بر ارزیابان اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری برای تعیین فن قبلی مربوطه اتکا می‌کنیم که با شفاف‌سازی متقاضی در باره بررسی‌های محرمانه یک طرفه صورت می‌گیرد. با صدور ثبت، هر شخص می‌تواند منابع فن قبلی را به اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ارائه دهد که می‌تواند مورد بازبینی واقع شود. مدعی تخلف هم چنین می‌تواند قابلیت ثبت اختراع را با ادعای عدم اعتبار مورد سوال قرار دهد. برداشت و درک بسیاری از وکلای ثبت اختراع این است که برای مدعی تخلف، به دنبال بازبینی بودن حرکت و اقدام ضعیفی است و بهتر این است که صبر کند تا در مورد تخلف اقدام قانونی صورت گیرد. در نتیجه برای رهایی از ثبت‌های اشتباه صادر شده، عرفاً دعوی قانونی لازم است. رابرت مرجز اخیراً اعلام کرده است که بهتر است مخالفت پیش از صدور را به ثبت‌هایی که بازه کاملی از فن قبلی را مورد توجه قرار داده است، اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری می‌دهند اختصاص دهیم. این مساله می‌تواند با تحقیق تجربی مناسب، شاید با مقایسه سیستم بازبینی ایالات متحده با سیستم‌های مخالف خارجی شرح داده شود. تجربیات اخیر نشان می‌دهند که قوانین برای تعیین فن قبلی، هنگامی که سیستم ثبت وارد حوزه جدیدی مانند فناوری اطلاعات و شیوه‌های تجاری می‌شود، کارایی کمتری دارد. به جهت اینکه پیشرفت در این حوزه‌های تنها اخیراً برای حفاظت ثبت به رسمیت شناخته شده است، منابع سنتی فن قبلی، خصوصاً ثبت‌ها و انتشارات اولیه، به عنوان شاخص‌های حالت هنر، قطعیت کمتری دارند. نوآوران اولیه‌ای که باور دارند که دستاوردهایشان به طور طبقه‌بندی شده مستثنی از سیستم ثبت است، انگیزه کمتری برای درخواست‌های ثبت پرونده که دستاوردهایشان را مستند می‌کنند دارند و نیز ممکن است از انتشار آثارشان خودداری کرده باشند تا از زیان بیشتر جلوگیری کنند. در نتیجه، ارزیاب‌ها منابع هنر اولیه را محدود کرده‌اند تا درخواست‌های ثبت در این حوزه‌ها را در نظر بگیرند. جنبه دیگر قوانین فن قبلی فعلی که متخصصان حقوق در حال بررسی آن با تحلیل اقتصادی هستند، خلق فن قبلی استراتژیک برای دفاع از دعاوی رقابت است. آیا قوانین فعلی باعث سودمندی خلق فن قبلی حامی ثبت می‌شود؟ این کار خوب است یا بد؟ این روند تحلیل اقتصادی از زمینه‌سازی مناسب در نظریات قانونی و اقدامات مناسب بهره‌مند خواهد بود. یکی دیگر از مجموعه قوانین^۲ که نقش پررنگ تری در ثبت اختراع نسبت به مناظرات محققانه دارد، سیستم «اختراع اول

^۱ Patent & Trade Mark Office

^۲ Byzantine

«امریکا برای حل اختلافات اولیه است. این ویژگی خاص سیستم ثبت اختراع امریکا در تضاد با قانون « اولین پرونده برای اعطای اولویت ثبت در سایر سیستم های دنیاست. این تمرکزی اصلی بر مذاکرات تجاری در گذشته بوده و ممکن است در صحنه ساست گذاری ثبت اختراع خودنمایی کند، اما در سالهای اخیر مسکوت مانده است. شرکت کنندگان در ثبت که مایل به بازآموزی قانون اولین اختراع بوده اند، استدلال هایی در مورد عادلانه بودن آن ارائه کرده اند. اقتصاد دانان می توانند تقشی مهم در ارزیابی سیستم از لحاظ کارایی داشته باشند. همچنین این تصمیم می تواند تصمیمی سازنده برای تحقیقات تجربی در مقایسه امریکا و سیستم های ثبت خارجی باشد.

۱-۱. شفاف سازی

به منظور حصول ثبت اختراع، مخترع باید شرح مکتوبی از اختراع، شفاف سازی درباره چگونگی ساخت آن، و شفاف سازی بهترین حالت در نظر گرفته شده توسط سازنده را ارائه دهد. متقاضیان ممکن است نخواهند تغییرات اساسی در شفاف سازی هایشان بعد از تشکیل پرونده درخواست ثبت شان بدون از دست دادن مزایای تاریخ پرونده اصلی ایجاد کنند (و بدین وسیله در مورد ریسک از دست دادن حقوق چنانچه هنر اولیه دخیل مرتبط با قابلیت ثبت باشد). این شفاف سازی با صدور در دسترس عموم قرار خواهد گرفت و یا زودتر چنانچه پرونده خارجی مرتبطی وجود داشته باشد.

گاهی اوقات دادگاه ها شفاف سازی را به عنوان جبران برای حق انحصاری ثبت منتشر می کنند^{۶۵}، به گونه ای که دلیل ارائه ثبت، دریافت شفاف سازی فناوری هایی است که در در غیر اینصورت به صورت سری نگه داشته خواهند شد. اما این ادعا مستلزم بررسی بیشتر است. جدای از اطلاع رسانی به عموم، شفاف سازی ثبت همچنین به PTO نشان می دهد که درخواست کننده چکار کرده است که بتواند صدور ثبت را توجیه کند. اختلافات بر سر اینکه آیا درخواست های ثبت ایالات متحده باید ۱۸ ماه پس از تاریخ تشکیل پرونده شفاف سازی شوند- مانند درخواست های ثبت پرونده شده در بیشتر نقاط جهان- نشان از اهمیت قوانین حاکم بر شفاف سازی ثبت دارد.^۱

کار مهمی که اقتصاد دانان تجربی می توانند انجام دهند این است که در مورد چگونگی استفاده واقعی از شفاف سازی ثبت، داده های مناسب جمع آوری کنند. چه کسی شفاف سازی های ثبت را می خواند و چرا؟ آیا آنها به عنوان راهنمایی برای دعوی های ثبت خواهند بود، و یا برای اطلاعات علمی که در بردارند مفید خواهند بود؟ شفاف سازی ثبت چگونه با سایر شفاف سازی های اطلاعات علمی مانند انتشارات ارتباط می یابد؟ نتایج و فواید حاصله از نشر شفاف سازی ثبت چقدر ارزش دارند؟ شفاف سازی ثبت چه تاثیری بر ارزش ثبت ها و مناسب بودن فناوری های زمینه ای دارند؟ آیا قوانین فعلی عاقلانه هستند؟

برخی از اقتصاددانان مساله محدوده ی دعوی ثبت را مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند. تحقیقات بیشتری لازم است تا این تحلیل با قوانین روبه تکامل ثبت سازگار شود. تصمیم گیری های محدود ثبت به سمت مساله چندگانه و به هم پیوسته ای پیش می رود که غالباً در نوشتجات اقتصادی مورد غفلت واقع می شود. در نتیجه، این نوشتجات به

^۱ Analyze This: A Law and Economics Agenda for the Patent System Rebecca S.Eisenberg

نظر می‌رسد که ورود پیشرفت‌ها و در نتیجه تعادل در سیستم به منظور حصول بهترین نتیجه را از دست می‌دهند. محدوده ثبت اختراع قوانین حقوقی حاصله از دو مرحله‌ی متفاوت در ثبت اختراع را مطرح می‌کند: پیگرد قانونی و دعوی تخلف. در مرحله پیگرد قانونی، اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری تصمیم می‌گیرد که آیا دعوی پیشنهادی متقاضی را بپذیرد یا رد کند؛ و این بستگی به این دارد که دعوی چگونه با فن قبلی مقایسه می‌شوند و چگونه وسعت دعوی به وسعت شفاف‌سازی ارتباط می‌یابد. این دو معیار محدوده دعوی قابل پذیرش - فن قبلی و شفاف‌سازی - در تعارض با یکدیگرند. در یک حوزه‌ی جدید، فن قبلی، محدودیت‌های نسبتاً کمی بر محدودی دعوی ثبت اعمال می‌کند و حفظ ثبت گسترده‌ای برای اختراعات پیشگام اراده می‌دهد. از سوی دیگر، حالت فن قبلی در چنین حوزه‌ی جدیدی ممکن است محدوده‌ای را که در آن شفاف‌سازی ثبت می‌تواند باعث استفاده از تنوع در سایر متخصصان بدون آزمایشات غیر ضروری شود، محدود کند. با گسترش دانش در این حوزه، ایجاد شفاف‌سازی مناسب که از دعوی پشتیبانی می‌کند ساده‌تر می‌شود، فن قبلی موجود در یک حوزه‌ی تکامل یافته، گرایش جبران‌کننده برای محدود کردن حوزه‌ی دعوی قابل پذیرش دارد.

بعد از صدور ثبت اختراع، دادگاه می‌تواند مساله‌ی محدوده‌ی آن در دعوی تخلف را مورد بازبینی قرار دهد. تصمیمات متعددی هست که می‌تواند بر محدوده‌ی مشخص دعوی در این مرحله تاثیر گذار باشند. اول اینکه، دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که دعوی نامعتبر است و تحت درخواست مناسب قوانین مورد بحث بند پیشین در رابطه با فن قبلی و محدوده‌ی شفاف‌سازی، نبایستی مورد پذیرش قرار می‌گرفت. اصل بر اعتبار دعوی ثبت شده است اما شخص می‌تواند با شواهد شفاف و متقاعدکننده این اصل را نقض کند. دوم اینکه، دادگاه باید دعوی را تفسیر کند تا مشخص شود که آیا دعوی تخلف مطرح است یا خیر، و غالباً مفهوم دعوی می‌تواند قرائت‌های متعدد داشته باشد. مساله تفسیری خاص قبل از دادگاه (به عنوان مثال اینکه آیا دعوی، اختلاف در اختراع را که از فناوری جدید بهره می‌برد پوشش می‌دهد یا خیر) معمولاً چیزی است که در هنگام تنظیم دعوی هیچ کس در مورد آن فکر نمی‌کرده است، و فرصت مناسبی برای عدم توافق و عدم قطعیت فراهم می‌کند. سوم اینکه حتی اگر دعوی، اختلاف شخص مدعی را پوشش ندهد، قاضی یا هیئت منصفه همچنان می‌تواند حکم دهد که تحت قوانین معادل، تخلف صورت گرفته است. این دیدگاه، که دادگاه عالی اخیراً آن را تثبیت کرده است، کشف تخلف را هنگامی که محصول یا فرایند شخص مدعی - اگرچه در محدوده‌ی دعوی شاکی نباشد - اساساً معادل با اختراع ادعا شده باشد، ممکن می‌سازد.

بر خلاف باور رایج برخی اقتصاد دانان، برداشت بسیاری از متخصصان حقوق این است که دایره فدرال در سال‌های اخیر، قوانین رو به تکامل را به گونه‌ای اصلاح کرده است که به جای گسترش محدوده‌ی ثبت، آن را محدود می‌کند. این روند محدودکننده حوزه ثبت در تقابل با روند توسعه دهنده در همان دادگاه در مورد مساله‌ی قابل ثبت بودن است. عناصر مهم در روند محدودکننده، درخواست‌های زیاد الزامات برای شفاف‌سازی مناسب و شرح مکتوب اختراع جهت محدود کردن دعوی‌ها بوده است. همچنین باعث کنترل قضایی سخت‌تر بر ساختار دعوی و درخواست دیدگاه معادل شده است. با غفلت از این روندهای مخالف، به گسترش سیستم ثبت اختراع، بسیاری از نوشتجات اقتصادی درباره محدوده‌ی ثبت از اهداف خود دور شده‌اند.

جدای از تحلیل مساله کلی کیفیت ارائه ی دعاوی، اقتصاد دانانی که دانش بیشتری در مورد ثبت داشتند توانستند به شکلی کارآمد، مزایای نسبی مکانیسم های فرایندی مختلف را برای این تصمیمات شرح دهند. چه تصمیمات کارآمدی توسط اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری در مرحله ی پیگرد قضایی ثبت اتخاذ می شود، و چه شرایطی، بازبینی این تصمیمات توسط دادگاه را در مرحله دعوی تخلف، توجیه می کند؟ یکی از توجیحات برای رویکرد محدود کننده ی دایره فدرال در مورد ساختار دعوی و دیدگاه معادل، افزایش قابلیت پیش بینی و قطعیت و دقت در تصمیمات تخلف است. قابلیت پیش بینی و قطعیت در سیستم ثبت اختراع چقدر اهمیت دارند؟ آیا رویکرد دایره قضایی - به طور اخص، استفاده از افراد شناخته شده^۱ جهت داوری کردن در مورد ساختار دعوی - حقیقتاً قابلیت پیش بینی نتایج در دعوی قضایی ثبت اختراع را افزایش داده است؟ این سوال می تواند با بررسی تجربی و نیز تحلیل تئوریک مفاهیم استراتژیک رویکردهای مختلف پاسخ داده شود.

۲-۱. اقدامات مربوط به گواهی

اقتصاددانان مشارکت تجربی و تئوریک گسترده ای در فهم روش های مختلفی که صاحبان ثبت جهت حفظ ارزش نوآوری هایشان بکار می گیرند داشته اند. این کار، اهمیت تراکنش های گواهی در تضمین اینکه اختراعات جدید به طور کارآمدی قابل استفاده هستند را آشکار کرده است. کارهای بیشتر می تواند در رفع عدم قطعیت در نوشتجات قانونی موثر باشد، به عنوان مثال اینکه آیا تراکنش های گواهی چه وقت برای ایجاد فناوری های جدید موجود در مقابل رشد روز افزون حقوق ثبت، قابلیت اتکا دارند؟ محدودیت های گواهی چیست؟ چه نکات ایمنی هنگامی که تراکنش های گواهی به طور مداوم هزینه بر هستند، مناسب هستند؟ آیا صدور مجوز اجباری مناسب است، و یا اینکه زیانش بیشتر از سودش است؟ ریسک و فواید فراهم کردن مصونیت مسئولیت از ضد ترویج برای تنظیمات ثبت چیست؟^۲

۲. ضمانت اجرای پسینی

در نظام های حقوقی مختلف، ثبت یک اختراع و صدور گواهینامه حق اختراع، به منزله اعتبار تام و مطلق آن نیست و پس از ثبت نیز، امکان اعتراض به اعتبار یک گواهینامه حق اختراع وجود دارد. ضمانت اجرای پسینی ممکن است له صاحب اختراع یا طرح صنعتی باشد و یا علیه او باشد. اگر گواهی نامه اختراع یا طرح صنعتی از اعتبار مطلق برخوردار باشد، حقوق قانونی صاحب ورقه اعم از حق تولید، عرضه و فروش و حقوق معنوی ایشان تحت حمایت قانون است و ناقض آن، مسئولیت حقوقی و کیفری دارد. در خصوص ضمانت اجرای پسینی حمایت از اختراعات و طرح های صنعتی به پرونده ای اشاره می نمایم که در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران رسیدگی و منجر به صدور حکم محکومیت ناقض اختراع گردیده است و دادگاه به جهت نقض حق اختراع راجع به طراحی و ساخت یک قفل جهت جلوگیری از سرقت اتومبیل و ضبط آن و به استناد مواد ۳ و ۱۵ و ۶۰ قانون وهم چنین مواد ۲ قانون مسئولیت مدنی حکم به محکومیت خوانده به مبلغ یک میلیارد ریال صادر نموده است^۳... به دلالت دادنامه های ۱۰۰۶ مورخ ۹۳/۹/۲۵ شعبه

^۱ Markman

^۲ Analyze This: A Law and Economics Agenda for the Patent System Rebecca S. Eisenberg

۱۰۴۳ دادگاه عمومی جزایی و ۱۶۴۵ مورخ ۹۳/۱۱/۲۵ شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر خواننده حقوق صاحب اختراع را نقض که در نتیجه محکومیت کیفری حاصل نموده است و نظر به اینکه حق استفاده انحصاری مطابق ماده ۳ و ۱۵ قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری اختصاص به خواهان‌ها دارد و کارشناس منتخب هم به شرح نظریه پیوست که مصون از ایراد و اعتراض طرفین دعوی باقی مانده میزان خسارت وارده را مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد نموده است و خواننده هم ایراد و اعتراض موجه و مدلی که مثبت بی‌حقی خواهان‌ها باشد به عمل نیاورده لذا دعوی محمول بر صحت تشخیص و مستندا به مواد ۳ و ۱۵ و ۶۰ از قانون مذکور و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خسارت وارده ناشی از نقض حقوق صاحب اختراع و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت حق الزحمه کارشناس و پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد" و این رای در شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر عینا تایید و قطعی می‌گردد.

در نقد این رای باید گفت، با توجه به ملاحظه مستندات و محتویات پرونده توسط نگارنده، به نظرمی رسد، تعیین مبلغ یک میلیارد ریال خسارت، به استناد مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، به دور از قانون باشد، چرا که اولاً از باب مسئولیت مدنی، می‌باید سه رکن مسئولیت مدنی (وقوع ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت) احراز گردد و سپس از آن صرفاً معادل کار انجام یافته، خسارت تعیین گردد، که در این حالت عدد خیلی پایین تری درمی‌آید، لذا استناد رای نباید بر اساس قانون مسئولیت مدنی باشد.

مواردی چون عدم قابلیت ثبت اختراع، عدم کفایت افشاء، تحصیل به ناحق گواهینامه و گسترش ناروای محدوده حمایت، می‌تواند از موجبات ابطال باشد. حتی در کشورهایی نظیر آمریکا که بررسی کامل جهت احراز وجود شرایط ماهوی و شکلی اختراع در زمان ثبت صورت می‌گیرد، امکان اعتراض پسینی (پس از ثبت اختراع) پس از اعطای گواهینامه وجود دارد و اسناد بین‌المللی و قوانین کشورها تدابیری برای این موضوع اندیشیده‌اند.

در حقوق ایران نیز ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۸۶) به هر ذی نفع است اجازه داده است با اثبات وجود یکی از موجبات ابطال، ابطال گواهینامه را از دادگاه بخواهد. ماده ۳۷ قانون ثبت علائم و اختراعات سابق (مصوب ۱۳۱۰) نیز چنین امکانی را فراهم می‌ساخت. اعتراض باید مستند به جهتی برای تعرض به اعتبار گواهینامه باشد. صرف نظر از پاره‌ای موارد اختلافی در نظام‌های حقوقی، جهاتی چون عدم قابلیت ثبت اختراع، عدم کفایت افشاء و تحصیل به ناحق گواهینامه، از موجبات ابطال خواهد بود. ابطال تمام یا بخشی از حق اختراع حقوق مخترع نسبت به آن را از ابتدا زایل می‌کند و بر حقوق اشخاص ثالثی که به نحوی با حق اختراع رابطه داشته‌اند تأثیر گذارند.

اکثریت قریب به اتفاق دعاوی باخواسته ابطال گواهی اختراع و طرح صنعتی، به دلیل جدید نبودن و اصیل نبودن می‌باشد و هم چنین غالباً بعد از طرح دعوی کیفری یا حقوقی دارنده گواهی اختراع و طرح صنعتی علیه ناقض آن گواهی، نقض کننده نیز دادخواست متقابل باخواسته ابطال گواهی اختراع یا طرح صنعتی به دلیل جدید نبودن یا اصیل نبودن را

طرح می نماید. لذا از لحاظ آماری، اکثریت قریب به اتفاق دعاوی باخواسته ابطال گواهی اختراع و طرح صنعتی به دلیل جدید نبودن واصل نبودن می باشد.

۱-۲. موجبات ابطال

علی‌رغم تفاوت‌هایی که میان نظام های ملی در خصوص تشریفات ثبت اختراع وجود دارد (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۵۷)، پیش از ثبت اختراع، ادارات ثبت وجود شرایط شکلی و ماهوی را بررسی می‌کنند و اشخاص نیز حق اعتراض به ثبت یک اختراع را دارند. با این حال ممکن است برای موضوعی گواهی نامه اختراع صادر شود که شرایط شکلی و ماهوی را دارا نباشد. این موضوع حتی در کشورهایی که در آنها بررسی کامل جهت احراز شرایط ماهوی و شکلی اختراع انجام می‌شود نیز ممکن است بروز کند و الزاما ناشی از تقصیر ادارات ثبت اختراع نیست چراکه برخی موضوعات نظیر وجود موضوع اختراع در دانش سابق به جهت استفاده قبلی یا این که افشا صورت گرفته توسط مخترع در اظهارنامه بهترین روش بوده یا خیر، همیشه قابل احراز به وسیله ادارات ثبت اختراع نیستند (سون، ۲۰۰۴: ۲۹۹). به همین جهت در اکثر نظام‌های حقوقی این امکان فراهم شده است که در صورت احراز فقدان شرایط شکلی و ماهوی در یک اختراع ثبت شده، مرجع قضایی یا اداری نسبت به ابطال آن اقدام نماید. موجبات ابطال در نظام‌های حقوقی تا حدودی متفاوت است و در برخی کشورها نظیر ژاپن تا شانزده مورد ذکر شده است (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۶۸). با این حال در خصوص برخی موجبات ابطال نظیر عدم قابلیت ثبت اتفاق نظر وجود دارد. در حقوق ایران ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۸۶) موجبات ابطال گواهینامه حق اختراع را مشخص کرده است. موجبات ابطال را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

الف. عدم قابلیت ثبت اختراع (به دلیل فقدان یکی از شرایط ماهوی ثبت اختراع و یا به جهت غیر قابل ثبت بودن موضوع اختراع)

ب. تحصیل بناحق (موردی که مالک اختراع مخترع یا قائم‌مقام قانونی او نباشد)

ج. عدم کفایت افشاء (عدم افشاء اختراع مطابق قوانین و مقررات)

۲-۲. فقدان یکی از شرایط ماهوی ثبت اختراع

از سه شرط جدید بودن، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی به عنوان شرایط ماهوی ثبت اختراع یاد می‌شود. شرایط مذکور به بیان‌های مختلف در اسناد بین‌المللی و قوانین کشورها منعکس شده است. از جمله مواد (۱) و (۲) قانون ثبت اختراعات ایران به این شرایط به عنوان شرایط ماهوی ثبت اختراع پرداخته است.

۳-۲. فقدان نوآوری^۱ (جدید نبودن)

شرط جدید بودن نخستین شرط برای ثبت هر اختراعی است. بند یک ماده ۲۷ و موافقت‌نامه تریپس صراحتاً شرط مذکور را به عنوان یکی از شرایط ماهوی ثبت اختراع بیان داشته است. ماده ۲ قانون ثبت اختراعات هم اگرچه شرط جدید

^۱ Lack of Novelty

بودن را با شرط ابتکاری بودن درهم آمیخته، اما «ابتکار جدید» را جزء شرایط ماهوی لازم برای ثبت اختراع دانسته است. منظور از جدید بودن اختراع این است که اختراع، قبل از تاریخ تقاضای ثبت یا تاریخ اظهارنامه حق تقدم، از طریق انتشار، افشای شفاهی، استفاده عملی یا از هر طریق دیگری برای عموم افشاء نشده باشد (جعفرزاده، ۱۳۸۴: ۷۷).

بنابراین اختراعی تازه به شمار می آید که در آزمون در وضعیت فنی موجود نباشد. از ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، استنباط می باشد که بار اثبات بی اعتباری اختراع بر دوش مدعی آن است، اما برخلاف حقوق آمریکا، در حقوق ایران، استاندارد خاصی در خصوص دلایل وجود نخواهد داشت و پذیرش و ارزیابی دلایل، تابع قواعد عمومی خواهد بود. در خصوص ضمانت اجرای پسینی اختراع به فقدان شرط جدید بودن به پرونده ای اشاره می گردد که ابطال گواهی نامه ثبت اختراع به شماره ۲۲۵۰۱ مورخ ۱۳۸۶/۹/۱۳ تحت عنوان درب آسانسوری گاو صندوق ویترونی با جک و پیچ به لحاظ سابقه ی تولید و استفاده عملی و افشاء آن قبل از ثبت و جدید نبودن آن می باشد در پی داشته است. واستدلال قاضی به اقرار وکیل خواننده (صاحب اختراع) و هم چنین تایید کارشناس بوده است که موضوع اختراع در سال ۱۳۸۳ یعنی سه سال قبل از ثبت، به بازار عرضه گردیده است، لذا هم به جهت انتشار و هم به جهت استفاده، شرط جدید بودن مورد زوال قرار گرفته است. در رای صادره به شماره ۹۵۰۵۴۵-۹۶/۶/۱۵ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین مقرر گردیده است "... آقای ... بوکالت از خواننده اول در جلسه ی دادرسی مورخ ۱۳۹۳/۷/۶ در مقام دفاع اظهار داشته است موکل درب گاو صندوق موضوع اختراع را در سال ۱۳۸۳ به بازار عرضه کرده است. علیهذا نظر به اینکه مطابق بند ه ماده ۳ قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ آنچه قبلا در فنون و صنایع پیش بینی شده باشد و عبارت از این است که در نقطه ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا از هر طریق دیگر قبل از تقاضا و یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ی ثبت اختراع افشای شده باشد از حیث حمایت از اختراع خارج است و در مانحن فیه حسب اظهار وکیل خواننده و دلایل ابرازی از جمله استشهادیه های پیوست و مفاد دادنامه ۱۷۵ مورخ ۹۳/۳/۲۰ صادره از شعب ۱۰۴۳ دادگاه کیفری تهران و گزارش اعضای هیئت سه نفره ی کارشناسان در پرونده مطروحه در شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر که در مقام رسیدگی به اعتراض نسبت به دادنامه مذکور است هم دلالت بر جدید نبودن اختراع خواننده دارد بنابراین با احراز فقدان اوصاف و شرایط مقرر در مواد ۲ و ۱ و قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی و علائم تجاری و احراز افشای محصول قبل از ثبت دعوی مطروحه وارد و ثابت تشخیص مستندا به ماده ۱۸ همان قانون حکم به ابطال گواهی نامه اختراع خواننده اول صادر و اعلام می گردد." که این دادنامه به جهت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی گردیده است.

۳. آثار ابطال

حقوق مربوط به اختراع یا بخشی از آن که ابطال می شود مثل این است که از ابتدا وجود نداشته است (سون، ۲۰۰۴: ۲۹۴). در واقع اثر ابطال اعلامی است و عطف به زمان حدوث سبب بطلان می گردد (میرحسینی ۱۳۸۷: ۲۳). در حقوق ایران نیز ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات تصریح می نماید: «هر گواهی نامه اختراع یا ادعای بخشی از ادعاهای مربوط که باطل شده است، از تاریخ ثبت اختراع باطل تلقی می شود.» و همین حکم در ماده ۶۲ آیین نامه قانون مذکور نیز تکرار شده است. باید توجه داشت که مخترع یکبار بیشتر شانس دفاع از اعتبار اختراع خود را ندارد در حالی که اشخاص نقض کننده حقوق مالکیت فکری به دفعات ممکن است به عدم اعتبار اختراع استناد

نمایند (دورهام، ۲۰۰۹: ۲۰۰). ابطال گواهینامه‌هایی که بر طبق قواعد فراملی صادر گردیده است، تنها در قلمرو کشور ابطال کننده اعتبار دارد و گواهینامه‌های صادره در دیگر کشورها در خصوص همان موضوع بر اساس اصل استقلال گواهینامه‌های اختراع کماکان معتبر خواهند بود.

۳-۱. آثار ابطال بر حقوق معنوی مخترع

در حقوق مالکیت فکری، علاوه بر حقوق مادی، بحث حقوق معنوی و صاحب حق نیز مطرح است؛ اگرچه شاید حقوق معنوی در مالکیت‌های ادبی و هنری بیش از حق اختراع مورد توجه قرار گیرد و در مالکیت صنعتی، منافع اقتصادی اثر، بیشتر حائز اهمیت باشد (خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۲۱). اما به‌رحال ثبت اختراع نیز موجب حقوق معنوی برای مخترع می‌باشد. حداقل آن نیز حق ذکر شدن نام مخترع در گواهینامه حق اختراع است. حقی که در برخی کشورها نظیر ژاپن و آمریکا قابل اسقاط نیست. در کشورهایی هم که امکان اسقاط آن وجود دارد، منوط به تشریفات خاصی است. حق دارد که جامعه او را به عنوان مخترع بشناسد وضع خلاقیت و ابتکار او آگاه شود. به نظر می‌رسد حق مذکور از حقوق وابسته به شخصیت بود و به همین جهت قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد، (مقید به زمان و مکان کشور که اختراع در آن ثبت شده است) خاصی نیست. یکی از جنبه‌های حائز اهمیت حقوق معنوی مخترع، حق ذکر اختراع در سوابق علمی و عملی مخترع است. در موردی که حق اختراع زایل می‌شود (برای مثال پس از انقضای مدت حمایت یا در فرض سلب مالکیت یا توقیف گواهینامه)، حقوق اخلاقی و غیرمادی ناشی از ثبت اختراع بی اعتبار نمی‌شود. اما در موردی که اختراع، باطل می‌شود تمامی حقوق مادی و غیرمادی ناشی از اختراع از بین خواهد رفت باین‌حال به نظر می‌رسد بایستی بین موجبات ابطال، تفصیل قائل شد. موردی که اختراع به جهت عدم قابلیت ثبت ابطال می‌شود یا دارنده گواهینامه، مخترع واقعی نیست با فرضی که ابطال به جهت عدم افشاء یا گسترش ناروای دامنه حمایت یا عدم استفاده صورت می‌گیرد متفاوت است (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۴۳). در دسته دوم، مخترع در واقع مخترع به معنای عرفی و حقوقی آن هست؛ النهایه دادگاه به لحاظ حفظ حقوق اشخاص ثالث یا منافع عمومی اقدام به ابطال گواهینامه او نموده است. در این موارد مخترع کماکان حق دارد به عنوان مخترع شناخته شود و حقوقی نظیر حق ذکر اختراع در سوابق، برای او محفوظ است.

۳-۲. آثار ابطال بر حقوق مادی مخترع

ثبت اختراع و صدور گواهینامه آن موجب حقوق انحصاری برای مخترع می‌باشند. موافقت‌نامه تریپس در مواد ۲۸ و ۳۰ خود، حقوق و انحصارات اعطائی به دارنده اختراع ثبت شده را بیان می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). ماده ۲۵ قانون ثبت. ا.ع.ط. نیز این حقوق را با تفکیک بین فرایند و فراورده بشمرده است. بهره‌برداری بدون مجوز مالک بمنزله نقض حقوق مخترع و موجب مسئولیت مدنی و در مواردی، مصونیت کیفری برای نقض کننده است. با ابطال گواهینامه اختراع، این حقوق از زمان ثبت از بین می‌رود و دیگران در بهره‌برداری از آن ملزم به کسب اذن یا تراضی با دارنده گواهینامه نمی‌باشند (صالحی، ۱۳۸۸: ۳۱۹). در صورتی که حکم ابطال ناظر به بخشی از گواهینامه باشد، فقط حقوق مترتب بر آن بخش از بین خواهد رفت (سون، ۲۰۰۴: ۲۹۱).

۳-۳. رفع مسئولیت نقض کننده حق

صدور حکم مبنی بر بی‌اعتباری گواهینامه حق اختراع، به منزله این است که دارنده آن از ابتدا حقی نسبت به موضوع نداشته است. بنابراین شخصی که به عنوان نقض‌کننده حقوق، طرف دعوای حقوقی یا تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است، مسئولیتی نخواهد داشت. در دعوای حقوقی، حکم به بی‌حقی مدعی نقض داده خواهد شد و در امر کیفری نیز نظر به جرم نبودن عمل، قرار منع تعقیب صادر یا حکم به براءة متهم داده خواهد شد. موضوع حائز اهمیت تاثیر بی‌اعتباری بر دعوای سابق و احکام قطعیت یافته، اعم از حقوقی و کیفری است. در این خصوص گفته شده است که تصمیم اداره ثبت اختراع مبنی بر بی‌اعتباری یک گواهینامه حق اختراع نمی‌تواند برای یک حکم صادره از دادگاه در خصوص نقض حقوق مخترع که اجرا شده است، تاثیر گذارد (سون، ۲۰۰۴: ۲۹۲). در حقوق ایران به نظر می‌رسد، حکم دادگاه در خصوص بی‌اعتباری گواهینامه حق اختراع بر احکام قطعیت یافته هم تأثیرگذار باشد. در صورتی که شخصی به جهت نقض حقوق ناشی از گواهینامه مذکور به مجازات محکوم شده باشد، به نظر می‌رسد به استناد بنده ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، مورد از موارد اعاده دادرسی باشد. در خصوص احکام حقوقی (مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق) انطباق موضوع با یکی از بندهای ۷ و ۶ و ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ - هر یک به دلیلی - و تجویز اعاده دادرسی با اشکال مواجه است. اما باتوجه به عدم استحقاق دارنده گواهینامه ابطال شده به دریافت خسارت از بابت نقض حقوق خود، موضوع می‌تواند سبب یک دعوای مستقل برای استرداد مبالغ پرداخت شده به‌عنوان خسارت برآورد قرار بگیرد. هم چنین اشخاصی که از این بابت مدعی خسارتی هستند می‌توانند دارنده گواهینامه مذکور را بر طبق قواعد عام مسئولیت مدنی طرف دعوا قرار دهند و با اثبات تقصیر دارنده گواهینامه و سایر شرایط مسئولیت مدنی از وی مطالبه خسارت نمایند. مسئولیت اداره ثبت اختراع در صورت اثبات تقصیر آن مرجع در جریان صدور گواهینامه حق اختراع و در صورتی که ازین رهگذر خسارتی به شخصی وارد آید تابع مقررات عام مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن (ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی) خواهد بود. هم چنین می‌توان گفت با ابطال گواهی نامه حق اختراع، کلیه اقدامات احتیاطی و تأمینیه که در خصوص حقوقی ناشی از آن اتخاذ شده بود، مرتفع خواهد شد.

۳-۴. آثار ابطال بر قراردادها

دارنده حق اختراع ممکن است قبل از ثبت آن یا بعد از ثبت، حقوق مالی خود نسبت به آن را به موجب قرارداد و به صورت انحصاری یا غیر انحصاری به شخص دیگری منتقل کرده باشد، از سوی دیگر، ابطال گواهینامه اختراع، حقوق ناشی از آن را از ابتدا زایل می‌کند و اثر قهقرایی دارد بنابراین سوالی که ممکن است مطرح شود، این است که اگر در حین اجرای قرارداد، گواهی نامه موضوع قرارداد بی‌اعتبار شد یا معلوم شد بی‌اعتبار بوده چه حقی برای انتقال‌گیرنده ایجاد می‌شود و در این خصوص چه مسئولیتی به عهده انتقال‌دهنده خواهد بود؟ در پاسخ به این سوال گفته شده است که تصمیم اداره ثبت اختراع در خصوص بی‌اعتبار یک گواهی نامه نمی‌تواند بر قراردادهای بهره‌بردار^۱ یا واگذاری حقوق ناشی از حق اختراع^۲ که قبل از صدور حکم ابطال اجرا شده است تاثیر گذارد، باین حال دارنده گواهینامه در صورتی که سوءنیت داشته باشد، مسئول جبران خسارت طرف دیگر قرارداد خواهد بود. هم چنین دارنده

^۱ License

^۲ Assignment

گواهینامه ملزم به پرداخت تمام یا بخشی از آنچه که بابت انتقال حقوق یا قرارداد بهره برداری گرفته است، به طرف مقابل خواهد بود در صورتی که امر مغایر با اصل انصاف نباشد (سون، ۲۰۰۴: ۲۹۴). در حقوق انگلستان در خصوص این موضوع اختلاف نظر وجود دارد و گفته شده است: تضمین نسبت به مالکیت موضوع قرارداد به عنوان یک حق شخصی برای اطمینان از درستی و صحت آن، چیزی است که انتقال گیرنده برای آن معامله می‌کند و مجوز بهره‌برداری را در مورد آن اخذ می‌کند بنابراین تضمین نسبت به اعتبار موضوع قرارداد فراتر از جزئیات، ماهیت قرارداد و موضوع آن مرتبط است. از همین جهت نقض تعهد به اعتبار فناوری می‌تواند موجب حق فسخ قرارداد و اقامه دعوی مطالبه خسارت برای انتقال گیرنده یا خریدار باشد. در حقوق ایران نظر داده شده است که علی‌الاصول امکان انطباق این دعوا با ملاک صدر ماده ۳۵۳ ق.م. موجود نیست تا بتوان استدلال کرد که معلوم شدن فقدان اعتبار گواهینامه اختراع موضوع قرارداد که توافق به خاطر آن انجام شده به عنوان وصف اصلی، دلالت بر اشتباه در خود موضوع معامله دارد و چنین اشتباهی سبب بطلان قرارداد است. به نظر می‌رسد که در حقوق ایران وضعیت جنین معامله‌ای منطبق با حکم ماده ۲۳۵ ق.م. باشد. بنابر همین دلیل در دعوی مذکور، انتقال گیرنده حق فسخ معامله را خواهد داشت. (وحدت ملاک صدر ماده ۳۵۵) اما این نظر قابل انتقاد به نظر می‌رسد، در تمام قراردادهایی که مخترع حقوق ناشی از گواهینامه حق اختراع را منتقل می‌نماید، حقوق مذکور فرع بر وجود اعتبار گواهینامه است (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۷۴). حقوقی که قانون به یک گواهینامه معتبر اعطا می‌کند، ماهیت عرفی و حقوقی مورد عقد یا حداقل وصف جانشین ذات آن است. بحث از وصف موضوع قرارداد، زمانی مطرح می‌شود که موصوف، صرف نظر از وصف بتواند موضوع قرارداد قرار بگیرد. برای مثال زمانی که زمینی با وصف ابعاد مشخص مورد معامله قرار می‌گیرد (موضوع ماده ۳۵۵) زمین مذکور بدون شرط مذکور (با مساحت کمتر یا بیشتر) هم می‌تواند موضوع معامله قرار گیرد، در حالی که در خصوص حقوق ناشی از اختراع، گواهینامه غیرمعتبر اساساً نمی‌تواند موضوع معامله باشد، چون حقی بر آن مترتب نیست. پس اعلام بی‌اعتباری اختراع - با توجه به اثر قهقرایی آن - به منزله عدم وجود موضوع قرارداد است نه فقدان وصف موضوع. علاوه بر این، پذیرش حق فسخ به این معناست که قرارداد مذکور تا زمان ابطال گواهینامه معتبر بوده و نتیجتاً مخترع مستحق دریافت آن چه تا قبل از ابطال گواهینامه دریافت کرده است می‌باشد، در حالی که ابطال گواهینامه حقوق مترتب بر آن را از زمان ثبت زایل می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد، بی‌اعتباری گواهینامه حق اختراع سبب بطلان قراردادهایی است که برای انتقال حقوق ناشی از آن منعقد شده است. در حقوق انگلستان هم برخی حقوقدانان قائل به انفساخ قرارداد در فرض بی‌اعتباری گواهینامه شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۴۱). نتیجه پذیرش بطلان قرارداد این است که انتقال گیرنده بتواند بابت تمام آنچه به دارنده گواهینامه پرداخت کرده است به او رجوع کند، در حالی که خود او هم ممکن است تا قبل از ابطال گواهینامه و بطلان قرارداد از حقوقی که انتقال گرفته است استفاده کرده باشد، در این حالت بطلان غالباً سبب دارا شدن بلا جهت انتقال گیرنده می‌گردد چراکه او می‌تواند بابت آنچه به دارنده گواهینامه پرداخته، به او رجوع کند در حالی که خود او هم هزینه‌های مربوط به تحصیل این حقوق را بر مصرف‌کنندگان کالا تحمیل کرده است. در واقع در این حالت خسارت به مصرف‌کنندگان نهایی کالای به‌ظاهر اختراعی یا کالاهای تولید شده از فرآیند ظاهر اختراعی تحمیل شده است.

در دعوی مارتین علیه نادل^۱ یک دادگاه انگلیسی رای داد که تضمین اعتبار گواهینامه‌های موضوع قرارداد، شرط اساسی نیست بلکه صرفاً یک تضمین به مفهوم شرط غیراصلی (وارانتی) است که نقض آن موجب حق فسخ نمی‌باشد. اما دادگاه پژوهش به خلاف این رای، اعتبار گواهینامه‌ها را اساس و مبنای توافق طرفین برای انعقاد قرارداد دانست و بنابراین رای داد که خواندگان ملزم به پرداخت آن مبلغی نیستند که اگر قرارداد اجرا می‌شد می‌باید می‌پرداختند. همچنین آنها حق دارند که آنچه را قبلاً پرداخت کرده اند از خواهان مسترد نمایند. این رای در دیوان عالی هم تأیید شد (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۷۰).

نتیجه‌گیری

در مقایسه با سال‌های قبل، به نظر می‌رسد که ما در ابتدای منازعات عمومی درباره سیستم ثبت اختراع و طرح صنعتی هستیم. تفسیر و نظر درباره سیستم ثبت اختراع و طرح صنعتی در حال گسترش در بین جوامع علمی و رسانه‌های عمومی است و این نشان از دل‌نگرانی و علاقه عمومی دارد. این امر، باعث ایجاد فرصتی مهم برای متخصصان حقوق و اقتصاد دانان می‌شود تا در منازعات عمومی شرکت کنند. ما با کمک یکدیگر و با مطرح کردن سوالات مناسب و جستجوی بهترین پاسخ، می‌توانیم نقشی سازنده تر داشته باشیم تا در نهایت بتوانیم با تقویت هرچه بیشتر نهاد مالکیت فکری، هدف غایی تاسیس نهاد مالکیت فکری که همانا رشد و توسعه علمی و در نتیجه تولید ثروت و به تبع آن، افزایش رفاه جامعه می‌باشد را به ارمغان بیاوریم، لذا با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش، ابتدا به شرح نواقص اداره مالکیت فکری و رویه قضایی ایران می‌پردازیم و در انتها، پیشنهادهای مورد نظر را مطرح می‌نماییم.

الف) نواقص:

۱- فقدان سیاست جامع و هدفمند برای نهاد مالکیت فکری:

به اعتقاد نگارنده، رویه ارزیابی اختراعات و طرح‌های صنعتی و هم‌چنین رسیدگی به پرونده‌های قضایی آن‌ها مبین این امر است که سیاست جامع، هدفمند و متمرکزی برای نهاد مالکیت فکری به ویژه اختراعات و طرح‌های صنعتی وجود ندارد و صرفاً آن چیزی که در خصوص وضعیت نهاد مالکیت فکری در کشور ایران می‌توان بیان داشت این است که، افزایش کمی و آماری گواهی‌نامه‌های اختراعات و طرح‌های صنعتی سرلوحه اداره مالکیت فکری ایران است که به نظرمی رسد این امر، فاصله بسیار زیادی با هدف غایی آن دارد.

۲- تعداد کم کارشناسان اداره مالکیت صنعتی:

تعداد کارشناسان اداره ثبت اختراع ایران در تخصص‌های مختلف مجموعاً ۲۰ نفر می‌باشد و این در حالی است که آمار اظهارنامه ثبت شده در اداره ثبت اختراع ایران طی سال ۱۳۹۶ بالغ بر ۱۵,۰۰۰ بوده است.

تعداد کارشناسان مورد نیاز اداره ثبت اختراع هر کشور، براساس تعداد اظهارنامه‌هایی است که در طی یک سال به آن اداره ارجاع می‌گردد. در اداره ثبت اختراعات اروپا، استاندارد پرونده‌های ارجاعی به هر کارشناس، در طی یک سال برابر

^۱ Martin

یکصدپرونده می باشد. بنابراین از حاصل تقسیم دو عدد (تعداد کارشناسان و تعداد اظهارنامه ها)، تعداد اظهارنامه به ازاء هر کارشناس، برابر ۷۵۰ عدد می باشد که این عدد، ۷۵۰ درصد بالاتر از استاندارد است.

لازم به ذکر است به عنوان مثال، در کشور چین، تعداد کارشناسان فعال در اداره ثبت اختراعات چین، ۱۱۵۰۰ نفر است و این در حالی است که تعداد اظهارنامه های ثبت شده جهت ثبت اختراع در سال ۲۰۱۷ در کشور چین، برابر یک میلیون و سیصد هزار اظهارنامه می باشد.

۳- ارزیابی اظهارنامه های ثبت اختراع توسط مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی:

رویه ای که هم اکنون در اداره مالکیت فکری در جریان است بدین صورت است که اظهارنامه های مدعیان، به مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی ارسال می گردد و آن مراکز، هر کدام از اظهارنامه هارابه اعضای هیات علمی خود ارجاع می دهند و بر اساس نظریه آن ها، تایید یا رد ثبت اختراع صورت می گیرد و کارشناسان اداره ثبت اختراع صرفاً امور اداری را پیگیری می نمایند. و این رویه دارای اشکالات بسیاری است. زیرا یک متخصص دانشگاهی بسیاری از ریزه کاری های حائز اهمیت برای ثبت اختراعات رانمی داند. مثلاً جدید بودن برای او به این معنا است که کس دیگری این کار را نکرده باشد، اما در عمل می دانیم، شرط جدید بودن چقدر چالش دارد و جهت تعیین و سنجش آن، چه موارد مختلفی را باید در نظر گرفت و چه دستورالعمل هایی دارد. آن عضو هیات علمی که کارشناس ارزیاب اختراع نباشد، این دستورالعمل ها را آگاه و توانمند نیست.

به عنوان مثال در موضوع حق تقدم، تخصص ندارد که چه اتفاقی می افتد؟ مثلاً اگر یک مدعی، یک حق تقدم دربرزیل دارد و یک حق تقدم در PCT دارد و یک مقاله ای در مجله ای در آلمان چاپ کرده و بعد از ۶ ماه یک اظهارنامه ثبت اختراع داده است، دربرزیل یک سری ویژگی ها را اظهار کرده، در PCT یک سری ویژگی های فنی به آن اضافه کرده و در آن جا مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس به ایران آمده و یک ادعای جدید به آن اضافه کرده است. آیا ادعای جدیدی می توانیم بآن حق تقدم بپذیریم یا خیر؟ اگر توصیفش تغییر کرده بود چه تصمیمی باید بگیریم؟ جمع این موارد به چه صورت است؟ به عنوان مثال دیگر، وقتی می گوئیم افشاء کامل و موثر^۱ باید از ضوابط اظهارنامه باشد، واقعا مصادیق آن چیست و در عمل چگونه باید باشد؟ چه شرایطی باید داشته باشد تا افشای موثر قلمداد گردد؟

قطعاً یک عضو هیات علمی که فقط در یک زمینه فنی تخصص دارد و یک ارزیاب و کارشناس مالکیت فکری نمی باشد، باین موارد اصلاً برخورد نداشته، اطلاعاتی هم ندارد و اساساً وقت هم ندارد که بررسی کند، لذا نمی تواند پاسخ جامع و کاملی بدهد. این رویه در هیچ یک از کشورهای دیگر وجود ندارد.

رویه کشورهای توسعه یافته در مالکیت فکری، این است که اولاً کارشناسانی در زمینه های مختلف جذب می کنند و سپس بین دو الی سه سال آموزش ارزیابی اختراع می بینند و پس از آن مشغول به کار می شوند و حدود ۳۰ ماه تحت نظارت سرپرست ناظر^۲، فعالیت می کنند و تمامی سوالات و اشکالات خود را مرتفع می کنند.

^۱ sufficient exclusion

^۲ super vision

۴- کمبود فضات متخصص مالکیت فکری و آموزش دیده ارزیابی اختراع و طرح صنعتی:

مشابه همان اشکالی که در خصوص نقطه ضعف یک عضو هیات علمی، فاقد تخصص مالکیت فکری و دوره ندیده ارزیابی اختراع شرح دادیم، برای قضاتی که از لحاظ حقوقی تخصص دارند اما در زمینه مالکیت فکری تخصص ندارند آموزش ارزیابی اختراعات و طرح های صنعتی را طی نموده اند نیز وجود دارد.

۵- کمبود کارشناسان رسمی دادگستری با تخصص مالکیت فکری:

نقطه ضعف بعدی نهاد مالکیت فکری در ایران این است که، کارشناسانی که از لحاظ فنی تخصص دارند اما در زمینه مالکیت فکری تخصص ندارند و آموزش ارزیابی اختراعات و طرح های صنعتی را نیز طی نموده اند، نمی توانند منطبق با هدف غایی نهاد مالکیت فکری ارائه طریق نمایند و روند فعلی موجود در دادگاه های ایران، بهره گیری از نظریات چنین کارشناسانی می باشد.

فهرست منابع

- صادقی محمود، احسنی فروز محمد، عیسائی تفرشی محمد، جعفرزاده میر قاسم. تعهدات و الزامات طرفین در قرارداد انتقال فناوری و تطبیق آن با حقوق ایران، کامن لا و برخی نظام های حقوقی دیگر. پژوهش های حقوق تطبیقی سال پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۷۳). پاییز ۱۳۹۰.
- جعفرزاده، میر قاسم، محمودی، اصغر، "شرایط ماهوی حمایت از اختراع از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراع"، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۴، ۱۳۸۴.
- حبیبیا، سعید، نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۶، زمستان، ۱۳۸۳.
- حبیبیا سعید. حنیفی نسیم. بررسی تطبیقی تعریف و معیارهای ثبت طرح صنعتی در قانون مصوب ۱۳۸۶. پژوهش های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی): بهار ۱۳۹۱، دوره ۱۶، شماره ۱ (۷۵)؛ از صفحه ۲۵ تا صفحه ۴۶.
- حبیبیا سعید، امکان صدور ورق اختراع فن آوری زیستی و تریپس، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ص ۱۲۲. ۱۳۹۰.
- صالحی ذهابی، جمال، "تازگی، وصف ممتاز هر اختراع"، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۴، ۱۳۸۹.
- صادقی، محمود، امینی، مهدی، "موجبات و آثار ابطال گواهینامه حق اختراع"، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، ش ۱، ۱۳۹۱.
- صالحی ذهابی، جمال، "تازگی، وصف ممتاز هر اختراع"، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۴، ۱۳۸۹.
- عباسی نژاد، حسین، یزدان گودرزی فراهانی، و محمدحسین قیاسی، "تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری و حق اختراع بر رشد اقتصادی ایران"، پژوهش های اقتصادی، دوره چهاردهم، ش ۱، ۱۳۹۳.

- کاتوزیان، ناصر، "دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت"، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- صادقی محسن، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، (تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷)، صص ۱۹ و ۲۰.
- میرحسینی، سید حسن، حقوق اختراعات، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- نصیری مقدم، نجمیه، "تحلیل اقتصادی مالکیت صنعتی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، مهر ۱۳۸۶.
- JANICE M. MUELLER, Patent Claim Interpretation, in MUELLER ON PATENT LAW, VOL. II (PATENT ENFORCEMENT) (Wolters Kluwer Law & Business ۲۰۱۴).
- E. John Smith, Biotechnology, Cambridge University Press, Cambridge, UK: Third Edition, Low-price edition, ۱۹۹۶, p. ۲.
- Ibid, Art. ۲۷(۲); Joseph Straus, Implications of the TRIPs Agreement in the Field of Patent Law. in: Friedrich Karl Beier and Gerhard Schriker, eds., From GATT to TRIPs – The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights, Munich: Max Planck Institute for Foreign and International Patent, Copyright and Competition Law, ۱۹۹۸, p. ۱۸۲.
- Brain Martin, Against Intellectual Property, Information Liberation, London: Freedom Press, ۱۹۹۸.
- Michael Novak, The Fire of Invention the Fuel of Interest, On Intellectual Property, Washington D.C.: The AEI Press, ۱۹۹۶, p. ۲۵.
- WIPO, World Intellectual Property Indicators ۲۰۰۹, available at: <<http://www.wipo.int/ipstats/en/statistics/patents>>. Visited on: sep. ۲۰۱۰.
- Robert M. Sherwood, Varda Scartezini, and Peter Dirk Siemsen, Promotion of Inventiveness in Developing Countries Through a More Advanced Patent System, IDEA: The Journal of Law and Technology, Vol. ۳۹, No. ۴, ۱۹۹۹.
- Aristotle, Nicomachean Ethics, in: The Basic Works of Aristotle, trans. W. D. Ross, book II, chap. ۳, edited by Richard McKeon, New York: Random House, ۱۹۴۱, p. ۹۵۴.
- Abraham Lincoln, President of the U.S. ۱۸۶۵-۱۸۶۱, Lecture on Discoveries and Inventions at February ۱۸۵۹ in Jacksonville, Illinois, cited in Ibid, p. ۶.
- David Silverstein, Intellectual Property Rights, Trading Patterns and Practices, Wealth Distribution, Development and Standards of Living: A North-South Perspective on Patent Law Harmonization, in: International Trade and Intellectual Property: The Search for a Balanced System, George R. Stewart et al. eds., ۱۹۹۴, p. ۱۵۵, ۱۵۸.

- Robert M. Sherwood, the TRIPS Agreement: Implications for Developing Countries, IDEA: The Journal of Law and Technology, Vol. ۳۷, ۱۹۹۷, p. ۴۹۲, ۵۰۰.
- Rebecca S. Eisenberg, Patents and the Progress of Science: Exclusive Rights and Experimental Use, The University of Chicago law review, Vol. ۵۶, ۱۹۸۹, p. ۱۰۲۴-۲۵.
- David Hurlbut, Fixing the Biodiversity Convention: Toward a Special Protocol for Related Intellectual Property, Nat. Resources J., Vol. ۳۴, No. ۲, ۱۹۹۴, pp. ۳۷۹, ۳۸۳. Reprinted in: Anthony D'Amato & Doris E. Long (eds.), International intellectual property anthology, OH: Anderson Publishing Company, ۱۹۹۶.